

جوانی پر رنج ...

پژوهشی درباره‌ی مسائل جوانان ایران

(قسمت ۱۱)

۴- مسئله‌ی تفریح

تفریح درایام فراغت، برای تجدیدنشاط ونیرو وکاستن از یکنواختی زندگانی تحصیلی و حرفه‌ای ، از اصول ولوازم اساسی بهداشت تن و روان است . نیازبه تفریح از نیازهای اصیل بشر ، شعرده‌شده است . نیازبتفریح اگر ارضاءنشود، موجب افسردگی ، کاهش شوق نسبت به زندگی وکار ، احساس عصبانیت مزمن و بسیاری از کمالت‌های دیگر بدنی وروحنی می گردد . همچنین ممکن است راه‌هایی بدلی وزیانمند مانند ، پناه بردن به الکل ، قمار، مواد مخدر، فحشاء ، خودکشی ، ستیزه‌جویی وانواع بزهکاری‌های دیگر، برای کامجویی خود ، بیابد .

علاوه بر «لزوم تفریح» های مناسب، « تنوع » لزوم تنوع در تفریح اقسام آن نیز برای افراد و گروهها و طبقات مختلف جوانان ضروری است . بدون شك احتیاجات تفریحی کشاورزان، با نیازمندی‌های تفریحی کارگران صنعتی متفاوت است .

متأسفانه جوانان ما ، غالباً فاقد وقت و وسایل « تفریح سالم » اند . ویا اگر وسیله‌ای برای تفریح آنان یافت شود ، عموماً مناسب و بطور کافی برای همه موجود و متنوع نیست . برای مثال « اداره‌ی کل امور تربیتی و تربیت بدنی » وزارت فرهنگ ، درسال‌های اخیر با فعالیت بی سابقه‌ای در ایجاد اردوگاهها وتشکیل اردوها و انجام فعالیت‌های فوق برنامه برای جوانان مدارس ، در اوقات فراغت آنها ، بویژه در ایام تعطیل تابستان ، تنها توانسته است ، در طی سال های ۱۳۳۷ تا ۱۳۳۹ بطوریکه در جدول زیر دیده میشود ، هرسال تنها برای کمتر از چهار هزارم ($\frac{۴}{۱۰۰۰}$) ، یعنی

در هر هزار تن تقریباً برای چهار نفر ، وسایل تفریح مناسب ، و در مدت بسیار کوتاهی (ده روز در سال) فراهم آورد . این مقدار در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ در اثر صرفه جوئی مالی وزیر وقت فرهنگ - درخشش - حتی به یک در هزار تقلیل یافته است .

نمودار کار اردوهای تربیتی و تربیت بدنی

سال تحصیلی	شرکت کنندگان در اردوها		دانش آموزان کل کشور	دانشجویان کل کشور	شرکت کنندگان شرکت کنندگان به نسبت کل نقرات
	دانش آموز	دانشجو			
۱۳۳۷	۴۳۶۰	۳۶۹	۱۲۱۰۵۱۶	۱۲۹۶۲	$\frac{1}{258}$
۱۳۳۸	۵۰۰۶	۴۳۰	۱۳۵۰۸۱۷	۱۷۸۲۶	$\frac{1}{251}$
۱۳۳۹	۵۹۰۵	۳۸۵	۱۵۶۸۰۰۴	۱۷۸۲۶	$\frac{1}{252}$
۱۳۴۰	۱۵۹۲	—	۱۵۶۸۰۰۰	* ۱۶۰۰۰	$\frac{1}{991}$

بسیاری از سازمانهای دیگر که میکوشند ، برای جوانان وسایل تفریحات سالم فراهم آورند ، دامنه‌ی فعالیتشان بمراتب ، از این مقدار نیز کمتر است . ضمناً فراموش نباید کرد که این مقایسه تنها با دانش آموزان و دانشجویان کشور شده است ، نه با شماره‌ی گروههای سنی تحصیلی . اگر شماره‌ی کسانی که توانسته‌اند در اردوها ، رامیابند ، با شماره‌ی کل گروه سنی آنان مقایسه شود ، بحقیقت نتیجه‌ی مقایسه سنجش قطره بادی خواهد بود . بدون ترتیب قسمت اعظم از جوانان مانده تنها از تحصیل ، بلکه بمراتب بیشتر ، از تفریح و پرورش بدنی نیز محروم‌اند .

* از آنجا که شماره‌ی دقیق دانشجویان سال ۴۱ - ۱۳۴۰ هنوز بدستی در دست نبود . با توجه به پائین آمدن منحنی تحصیلی در سال ۴۱ - ۴۰ ، این عدد بطور تقریب برگزیده شد .

فعالیت‌های اردوهای تربیتی وزارت فرهنگ از سال ۱۳۳۳ آغاز گشته است . و مجموعاً تا سال ۱۳۴۰ شامل حال حال ۲۵۵۴۴ نفر (۲۳۰۸۶ دانش آموز به علاوه ۲۴۵۸ دانشجو) گشته است . در جدول بالا برای سهولت مقایسه ، تنها بطور تفکیک ، فعالیت‌های اردوئی از سال ۱۳۳۷ ، نشان داده شده است . ضمناً از سال مزبور است که دامنه‌ی فعالیت‌ها یکباره تقریباً به دو برابر توسعه یافته است .

سازمان رهبری جوانان
و اردوهای تابستانی

جانشین پرهیا هوتر اداره کل امور تربیتی و تربیت
بدنی وزارت فرهنگ، در تشکیل اردوهای تابستانی
و تفننی برای جوانان، در سال ۱۳۴۲ سازمان

رهبری جوانان بشمار می رود. در طول تمام بهار و تابستان امسال (۱۳۴۲) کمتر شبی بود که در روزنامه های اطلاعات و کیهان، یک یا چند اطلاعیه از طرف سازمان رهبری جوانان، در مورد تشکیل اردوهای تابستانی پسران و دختران، انتشار نیابد. لیکن مفهوم «جوانان» در نظر اولیاء سازمان، گویا بیشتر به معنی اخص آن، یعنی تنها «جوانان دانشجو» بوده است. زیرا عموماً فعالیت های اردوئی آنان - بطوریکه مورد بحث و انتقاد شدید جرائد مهم عصر نیز قرار گرفته است - به «دانشجویان» اختصاص داشته است. مطالعه ای یکی از دهها آگهی سازمان رهبری جوانان در جرائد عصر، علت خشم و انتقاد سایر جوانان را نسبت به سازمان، و تردید آنان را در ارزش فعالیت های آن بخوبی آشکار میسازد. آگهی زیر، نمونه ای یکی از دهها، اطلاعیه ای سازمان رهبری جوانان است که در روزنامه ها منتشر شده است - :

«... اردوی تابستانی «سازمان رهبری جوانان»، از روز ۱۲ مردادماه سال جاری به مدت ده روز، در فرج آباد ساری، تشکیل می گردد؛ و «دیپلمه ها» و «فارغ التحصیلان» می توانند با در دست داشتن دو قطعه عکس و «هفتصد و پنجاه ریال»، بدفتر سازمان مراجعه و ثبت نام نمایند».

آقای «پرویز قاضی سعید»، با انتقاد از نارسایی و سوء تعبیر مفهوم جوانی، در سازمان رهبری جوانان، در آغاز بحث تازه ای «اطلاعات» درباره ای مسائل جوانان، مینویسد - :

«مدتی است بفکر افتادیم که چگونه آدمی را با چگونه شنلی جوان می نامند؟! تعجب نکنید زیرا آنطور که از اقدامات «سازمان رهبری جوانان» برمی آید، ایست که «جوان» آدم مخصوصی است که حتما شغل مخصوصی هم باید داشته باشد؛ زیرا اردو برای جوانان دانشجو تشکیل می دهند. بورس تحصیلی برای جوانان دانشجومی گیرند. سینما و کلبوب و خانه و ... فلان و بهمان برای جوانان دانشجومی سازند و با این ترتیب ملاحظه میفرمائید که آن کارمند ۲۵ ساله، آن نویسنده ۳۰ ساله، آن نجار ۱۸ ساله و آن کارگر ۲۰ ساله جوان نیست. چون اگر جوان بودند که حتما برای آنها نیز اردوئی تشکیل میشد، کلوبی دایر میشد و سینمایی تأسیس می گشت. ولی افسوس که آنها جوان نیستند! حالا من در فکر این هستم که آیا بهتر نبود نام سازمان رهبری جوانان «سازمان رهبری دانشجویان» تغییر می دادند.

آخر تکلیف سایر جوانها چیست ؟ مگر جوان های دیگر که به دانشگاه راهی پیدا نکرده اند چه گناهی کرده اند که باید از تمام این مزایا محروم باشند ؟

آن نچاره که مجبور است بجای تحصیل کار کند ، آن نویسنده که بخاطر گرداندن چرخ زندگی تحصیل را رها کرده و آن کارگر بی-سوادی که برای اداره زندگی مادر و خواهرش تلاش میکند جوان نیست !!
نه بعنوان يك نویسنده ، نه بعنوان يك روزنامه نگار فقط بعنوان يك جوان از سازمان رهبری جوانان سؤال می کنم ،

۱ - آیا نمی شد از این بورس ها که در اختیار دانشجویان گذاشته میشود در اختیار جوانان غیر دانشجو گذاشت ؟

۲ - آیا نمی توان از همان قبیل کارهایی که برای جوانان دانشجو می شود برای جوانانی که اشتغال بکار دارند و یابیکارند کرد ؟

۳ - آیا سازمان رهبری جوانان برای نسل جوان (غیر دانشجو) فکری کرده است ؟

یاد آور میشوم که مقصود اینجانب از نوشتن این مقاله آن نیست که اگر امتیازی به جوانان دانشجو تعلق گرفته از آنها بی بگیرند ، امتیازاتی که باین دسته از جوانان تعلق گرفته بسیار هم ناچیز است و باید مثل همه دانشجویان از امتیازات مخصوصی بهره مند شوند ولی در حال سازمان رهبری جوانان متعلق به همه جوانانست و باید همه جوانان از امتیازاتی که این سازمان دارد بهره گیرند ۱۰

چند روز بعد ، جوان دیگری ، با انتقاد از همین «مفهوم انحصاری

جوانی» در ستون مخصوص «بحث آزاد جوانان» روزنامه ای اطلاعات ، تحت عنوان «مگر ما غریبه ایم؟» چنین نگاشت - :

«چندی پیش در روزنامه ها اعلانی خواندم که سازمان رهبری جوانان اردوئی تشکیل داده و برای تهیه بلیط آگهی نموده بود و من از خواندن آن آگهی خوشحال شدم و با خود گفتم خدارا شکر که وسیله ای فراهم شد که من هم سری بکنار دریا بزنم . زیرا آخر من هم جوانم . بخصوص که از طبقه پائین اجتماع هستم و خیلی دلم میخواهد که از مواهب طبیعت بهره مند شوم و قبل از اینکه باین سازمان سری بزنم پیش خود خیال میکردم که از این نمدم مارا هم کلاهی هست .

فردای آنروز باشوق و شور فراوان بسازمان رهبری جوانان مراجعه کردم ولی متأسفانه تیرم سنگ خورد زیرا بمن گفتند این اردو مخصوص جوانان دانشجومی باشد از آن ساعت بعد در این فکر بودم که چرا افراد غیر دانشجورا به حساب نمی آورند مگر آنها مال این آب و خاک نیستند و غریبه اند. باز با خود اندیشیدم که چرا نام این سازمان را

به حساب تمام جوانان این کشور گذارده اند» ۱ .

انتقاد مهم دیگری که بر فعالیت های سازمان رهبری جوانان ، بوسیله خود جوانان شده است - پس از ذکر نارسائی و جنبه ی انحصاری مفهوم جوانی- اینستکه : مسئله ی جوانان ، اصولاً مسئله ی اردو رفتن یا نرفتن آنان نیست . اردو امری تفننی است ؛ و مشکل یا مشکلات جوانان به مراتب عمیق تر از آن است . در این باره «الف - رحمتی» یکی از ده ها جوان دیگری که در بحث آزاد شرکت جسته اند ، می نگارد - :

«دردهای جوانان ... یکی دو تا نیست . صحبت بر سر این نیست که چرا سازمان رهبری جوانان ، فقط دانشجویان را به اردو می برد ، و بکارسایر جوانان کاری ندارد . اردو یک کار «تفنی» ، یک وسیله ی سرگرمی است ، ولی ما جوانان که از بسیاری چیزها دردمی کشیم ، نه فرصت رفتن به اردو داریم ، نه پول رفتن به اردو ، و نه سرمان برای شرکت در اردو درد می کند . در جوانان یکی دو تا نیست . مسائل بسیاری است که باید از سوی نویسندگان و شرکت کنندگان در بحث آزاد مطرح شود . و مورد مذاکره قرار گیرد . ۲۰۰

آری - خانه از پای بست ویران است

خواجه در بند نقش ایوان است !!

هزینه ی زیاد و نتیجه ی کم
 کمی اثر و توسعه ی دامنه ی فعالیت های اردوئی ، با توجه به دو میلیون تومان بودجه ای که سالیانه از طرف اداره کل امور تربیتی ، و اینک کم و بیش از طرف سازمان رهبری جوانان ، صرف آن شده و میشود ، طوری است که حتی لزوم وجود آن را مورد تردید و سؤال قرار میدهد . بدین معنی که آیا بهتر نبود ، هر سال بودجه ای را که صرف تنها ده روز زندگی در اردو ، برای گروهی در حدود یک دوست و پنج هاجم اصل شاگردان میشود ، بمصرف کاری پر فایده تر ، یعنی مثلاً ساختن یک «آموزشگاه حرفه ای» برسانیم ؟ با هزینه ای که از سال ۱۳۳۳ تا سال ۱۳۴۰ برای تفریحات اردوئی افرادی مجموعاً در حدود ۲۵۵۴۴ نفر ، دولت و ملت ایران متحمل شده است ، بخوبی میتوانستیم ، دست کم پنج مدرسه ی حرفه ای بگشاییم که اینک نخستین فارغ التحصیلان آن مستقل و شادکام وارد اجتماع گردند . ما اینک در شرایطی قرار داریم که هنگام صرف هردینار باید رعایت اصل صرفه جوئی و دالاهم فالاهم را بنمائیم . نه آنکه هر چه را که بخاطرمان مفید جلوه کرد ، برای کشور نیز سودمند تشخیص دهیم .

اینک در ایران در حدود ۱۹ سازمان وجود دارد که مربوط به فعالیت های

۱ - اطلاعات ، ۵ مرداد ۴۲

۲ - اطلاعات ، ۱۰ مرداد ۴۲

جوانان ، یا فعالیت برای جوانان است * سالیانه بالغ بر بیست و پنج میلیون تومان ، بودجه‌ی این سازمانها ، عموماً از بودجه‌ی کشوری پرداخت میشود. يك محاسبه‌ی دقیق و ارزیابی منصفانه در باره‌ی نتیجه‌ی کار این سازمانها ، طرز کار و فعالیت کنونی اکثر آنها را ، چنانکه یاد آور شدیم ، مورد سؤال قرار میدهد . زیرا منظور از تفریحات سالم و خلاق که هدف اصلی ایجاد اشتغال و مصرف صحیح نیروی اضافی جوانی است ، آن نیست که هر سال گروهی از جوانان را مثلاً از زاهدان و کرمان به طهران بیاوریم ، ده روزی در منظره آب خنک بخورانیم ، و یا به رامسر در کنار دریا ببریم ، و بعنوان « فعالیت های فوق برنامه » بافتن کیف دستی بوسیله‌ی تسمه‌های نایلونی یا گل کاغذی ، و یا نقاشی آب رنگ به انضمام چند رقص و سرود دسته جمعی

* - سازمانهای مهم نوزده گانه‌ی جوانان ایران عبارتند از - :

۱ - سازمانهای تربیت بدنی و تفریحات سالم شامل : اداره تربیت بدنی و امور تربیتی وزارت فرهنگ ، تشکیلات کمیته المپیک و فدراسیونها و باشکاهای ورزشی تابع سازمان ، شورای تربیت بدنی و تفریحات سالم بانوان و دوشیزگان ، تربیت بدنی دانشگاه تهران .

۲ - سازمان جوانان شیروخورشیه سرخ ایران

۳ - سازمان ورزشی ارتش

۴ - شورای عالی هدایت جوانان

۵ - باشکاهای اختصاصی ادارات دولتی و مؤسسات ملی

۶ - سازمان ورزشی کارگران وزارت کار

۷ - سازمان جوانان مسلمان

۸ - سازمان کلوب چهاردال وزارت کشاورزی

۹ - سازمان جوانان یهود

۱۰ - سازمان جوانان ارمنه

۱۱ - سازمان رهبری جوانان ، در نخست وزیری

۱۲ - سازمان فعالیت جوانان (افراد داوطلب این سازمان فعال در سازمان

دیگری بنام « مجمع ملی فعالیت های اجتماعی » با برنامه‌ی وسیع تری مشغول فعالیت شده‌اند) .

۱۳ - سازمان جوانان زرتشتی

۱۴ - باشگاه دختران دانشجو

۱۵ - سازمان پیش آهنگی ایران

۱۶ - سازمان پیش آهنگی ارمنه

۱۷ - کلوب های دختران (مانند کلوب شهناز)

۱۸ - کلوب های مختلف توسط انجمن های فرهنگی

۱۹ - باشکاهای دسته های ورزشی آزاد

به آنها بیاموزیم . چه بسا این جوانان با دیدن طهران و رامسر ، و گذراندن ایامی چند در آنها ناراضی تر به زادگاه خود در شهرستانها باز می گردند ، و همواره در اندیشهی آنند که در نخستین فرصت ، ترک بار و دیار کنند و بر کز هجوم آورند .

امروز چنانکه در کشور نو بنیاد اسرائیل با موفقیتی شکفت انگیز به نتیجه رسیده اند ، باید از نیروهای جوانان در آبادانی کشور استفاده کرد . آنها را به کشتزارها برد . کویرهای خشک را بوسیلهی آنان به جنگل و مرتع تبدیل کرد . هر سال ممکن است هزاران جوان به درختکاری و خرمسازی کویر بپردازند ، و اندک اندک قطعات بزرگی را آباد ساخته جلوتر روند . در اسرائیل اینک شصت و یک درصد (۶۱٪) از جوانان بین ۱۶ تا ۱۸ سال در اینگونه فعالیت ها شرکت میجویند . و اسرائیل با همه دشمنکامی های همسایگان خود ، قسمت مهمی از پیشرفت های روز افزون خویش را مدیون همین فعالیت ها است که در ایران نه تنها به هدر میرود ، بلکه در اثر بیکاری و عدم اشتغال فکری و احساس خلأ روحی ، صرف خودکشی ها ، خودخوریها ، عصبانیت ها ، و سایر فعالیت های انحرافی منفی میشود .

«اصلاحات ارضی» ایران ، چنانکه میدانیم مسئلهی افزایش اوقات فراغت تنها یک مسئلهی کشاورزی نیست . بلکه يك تحول بزرگ اجتماعی است . از اینرو برای مراقبت نتایج آن ، همه ، بویژه مریدان باید همدار و آماده باشند . استقلال دهقان و احساس آزادی او ، آبادانی روستاها ، اصلاح کشاورزی ، و تبدیل آن با استفاده از وسایل جدید ، بصورت يك صنعت ماشینی و شیمیایی ، خواه و ناخواه ، پدیده هایی را که لازمه ی يك چنین زندگی است ، از پی خواهد داشت . از جملهی این پدیده ها ، استقلال و آزادی ، امکانات بی سابقه ، در آمد و «فراغت بیشتر جوانان کشاورز» است . اینک باید در اندیشهی این اوقات حساس فراغت بود . اوقات فراغت بی سابقه ای را که نزدیک به سه چهارم ($\frac{3}{4}$) از جوانان کشور ما ، بزودی بدست خواهند آورد ، چگونه باید بگذرانند ؟

بطور کلی نزدیک به بیشتر از مردم ، یا هیچگاه فراغتی آن چنان که دلخواه آنان است ، بدست نمی آورند ، و یا بدتر از آن اگر فرصتی بدست آید ، نمیدانند لحظات گرانبهای آن را چگونه بسر آورند ، و از ایام فراغت خود چه سان بهره مند شوند . لطیفه ای که بعنوان دورنمایی از تفاوت خصوصیات روحی آمریکاییان و شرقیان در زبان انگلیسی متداول است ، نمونه ی گویایی از این مسئله است . بنا بر این داستان ،

روزی جوانی آمریکائی ؛ دوست تازه وارد چینی خود را در شهر خویش بگردش می‌برد . نزدیک به ایستگاه راه آهن برقی ، چون رسیدن قطار را احساس میکند و دوست خونسرد خود را بی‌اعتنا در حال پرسه زدن می‌بیند ، به‌تندی دست وی را گرفته کشان کشان و شتابان او را بسوی قطار می‌دواند . سرانجام درحالی‌که نفسش بشماره افتاده‌است ، در آخرین لحظاتی که ترن می‌خواهد حرکت کند ، خویشتن و دوست مبهوت خود را بدون آن می‌افکند . درها بسته میشود و ترن برآه می‌افتد . جوان آمریکایی نفسی کشیده بدوست چینی خود می‌گوید - :

«بالاخره ، موفق شدیم و پنج دقیقه پیش افتادیم . اگر يك لحظه دیر تر می‌رسیدیم میبایستی در ترن بعدی ، پنج دقیقه بیهوده وقت خود را تلف کنیم » .

مرد چینی ، مانند کسی که تازه از خوابی عمیق بیدار شده و مقصود از این همه شتاب و عجله را هنوز بدرستی درک نکرده است ، باخونسردی دائمی خود می‌پرسد - :

« حالا با این پنج دقیقه‌ایکه آنرا با این همه شتاب و تکرانی بدست آورده‌ایم چه خواهیم کرد !! »
جوان آمریکائی که گوئی ، انتظار چنین سئوالی را نداشته است ، در پاسخ اظهار می‌دارد که - :

« هیچ ، چه می‌خواستی بکنیم ، استراحت خواهیم کرد ! »
مرد چینی بالحنی که اندکی رنگ‌طنز دارد ، می‌گوید - :

« اینکار را که قبلاً هم بدون اینهمه دوندگی و خستگی می‌توانستیم بکنیم ! »
جوان آمریکائی ، سیکاری درآورده آتش می‌زند و به حلقه‌های غلیظ دود آن که از دهان خود بیرون می‌دهد خیره میشود ، و در اندیشه ای عمیق فرو میرود .

مسئله‌ای که در این داستان مطرح است ، دو حقیقت یکی از مهمترین مسائل اجتماعی جهان کنونی را نمایان می‌سازد - : یعنی ایام فراغتی را که باخون دل می‌آوریم چگونه باید سپری‌سازیم ؟

بشر امروز ، بویژه در کشورهای صنعتی ، بیش‌ازهر زمان دیگر دارای اوقات فراغت و یا دقیقتر بگوئیم ، نسبت به گذشته دارای ساعات بیکاری بیشتری است ، و این بیکاری‌ها و اوقات فراغت نیز پیوسته روبه افزایش است . دانشمندان علم اقتصاد ، حتی این نکته را با توجه به پیشرفت سریع زندگانی صنعتی امروز ، بصورت يك اصل اقتصادی ، بیان کرده اند که - : فعالیت‌های وسیع فنی و تولیدی ، هم محصول بیشتر و هم فراغت بیشتر بدست می‌دهد .

شورای عالی اقتصادی ریاست جمهوری امریکا در دو سال پیش نتیجه‌ی پژوهشی را درباره‌ی ، رشد اقتصادی امریکا ، در سالهای ۱۸۹۰ تا ۱۹۵۹ ، یعنی در مدت ۶۹ سال منتشر ساخت که بویژه از لحاظ توجه به اصل «فعالیت فنی بیشتر ، محصول و فراغت بیشتر» در عالم اقتصاد ، شایان ملاحظه است . بنابراین پژوهش در سال ۱۸۹۰ خدمت متوسط ساعات کار مردم در هفته ، بالغ بر «۱۰۰ ساعت» و در سال ۱۹۵۹ نزدیک به «۶۰ ساعت» بوده است . ضمناً در اثر پیشرفت‌های فنی ، با اصلاح اهل اقتصاد ، و بازده «۶۰ ساعت کار در ۱۹۵۹ برابر با بازده «۴۰۰ ساعت» کار در سال ۱۸۹۰ بوده است . یعنی نتیجه‌ای را که در سال ۱۸۹۰ ، با چهارصد ساعت کار می‌توانسته‌اند بگیرند ، در سال ۱۹۵۹ تنها با صرف ۶۰ ساعت وقت بدست می‌آورده‌اند .

بدون شك فراغت برای استراحت ، پس از کار و رفع خستگی حاصل از آن ، ضروری است . لیکن مقدار بیکاری و فراغت بسیاری از افراد ، براتپ بیشتر از نیاز واقعی آنها به استراحت و خواب است .

بسیاری از تبه‌کاری‌ها ، ستیزه‌جویی‌ها ، و انجام کارهای انحرافی و زیانمند ، در ایام فراغت و بیکاری کسانی روی می‌دهد که نمی‌دانند ، چگونه با انتخاب سرگرمی‌ها و تفریحات سالم ، اوقات فراغت خود را به نیکی سپری سازند .

بدون شك ، فراغت داشتن و پرداختن بکارها و تفریحات دلخواه در ایام بیکاری دارای نقشی اساسی در حفظ سلامت و تعادل روحی است . لیکن هرگونه سرگرمی و بازی و تفریح را نیز نمیتوان سودمند دانست . ضمناً نیز مسلم است که آنچه ما ، در اوقات فراغت خود انجام میدهیم ، تنها دارای جنبه‌ی فردی نیست ، بلکه سود و زیان آن خواه و نسا خواه دامنگیر خانواده و اجتماع نیز می‌گردد . تفریحات و سرگرمی‌های افراد ممکن است «سازنده» یا «مخرب» باشد .

روانشناسان معتقدند که یکی از شرایط «رشد عاطفی» و «بلوغ اجتماعی» و قدرت همسازی افراد ، داشتن علاقه‌ی پایدار به تفریحات و اشتغالات سازنده و سودمند ، افزون بر رغبت نسبت به کار و تحصیل است . اشتغال به تفریحات سالم از ابتلای به بسیاری از کسالت‌های روحی پیش‌گیری میکند . تفریحات سالم بطور خلاصه باید اجازه دهند که :

۱ - نخست تعالیات پر خاشجویانه‌ی افراد که بر اثر لزوم رعایت مقررات جدی و خاص ، در محیط کار و تحصیل یاری خود نمائی ندارند ، بنحوی ملایم و مفرودمخرجی سالم برای خود بیابند ، و برای جلوگیری از تراکم زیانمند آنها ، بطریقی مطلوب ارضاء گردند .

۲ - دیگر آنکه افراد بتوانند ، ذوق ها و توانائی های خلاق و متنوع خود را که احیاناً ، در محیط کار و تحصیل ، امکان و فرصت تجلی ، برای آنها نیست ، بکار اندازند .

۳ - و سرانجام ، تفریحات سالم باید ، با ایجاد محیطی متنوع ، از یکنواختی ساعات و محیط کار و تحصیل بکاهند ، و به افراد فرصت دهند ، که اوقات فراود را از نگرانی ها و فرسودگی ها و فشارهای زندگی اضطرابی حرفه ای به تسکین اعصاب و عواطف خود بپردازند .

تفریحات سالم و سرگرمی های خلاق ، بویژه از نیازمندی های روز - افزون زندگی در شهرهای بزرگه است . بسیاری از خدمات اجتماعی را در ساعات فراغت می توان ، از جمله بهترین سرگرمی های سالم ، بشمار آورد . این کارهای سودمند را بوسیله ی تشکیل انجمن ها و باشگاهائی محلی به نیکی و سهولت می توان انجام داد . تفریحات سالم ، در کشورهای متری ، بویژه وسیله ی یافتن یاران همذوق و مناسب و ضامن رشد و تقویت همبستگی اجتماعی است که ما امروز بیش از هر زمان دیگر بدان نیازمندیم .

با توجه به فقدان وسایل تفریح های سالم و باشگاههای کافی ، سینما اینک بزرگترین وسیله ی تفریح جوانان ایران در شهرهای بزرگه بشمار می رود .

در زمان حاضر در ایران نزدیک به صد و هفتاد سینما در ایران (۱۷۰) سینما وجود دارد . مهمترین سینما ها در تهران و شماری آنها تا بهمن ماه ۱۳۴۱ بالغ بر هفتاد و دو (۷۲) سینما شده است . با وجود آنکه مجموع شماری سینما های شهرستانها ، در حدود ۲۶ سینما بیشتر از تهران است ، با این وجود ، گنجایش سینماهای شهرستانها و شماری تماشاگران آنها با احتمال قوی از تهران بیشتر نیست . بدین ترتیب ، در حدود پنجاه درصد (۵۰٪) از مردمی که سالیانه به سینما می روند ، در تهرانند .

مقدار عوارض شهرداری تهران برای سینماها ، بیست درصد فروش (۲۰٪) از فیلم های فارسی و با فیلم هایی است که در ایران بزبان فارسی واگردون شده است . و برای فیلم های واگردون نشده ی خارجی و یا فیلم هایی که در خارج از ایران واگردون شده اند ، بالغ بر سی درصد (۳۰٪) میشود . در زمان حاضر فیلم هایی که مشمول سی درصد عوارض شهرداری میگرددند ، از ۴ درصد (۴٪) مجموع فیلم ها تجاوز نمی کند . شهرداری تهران اینک سالیانه در حدود ده میلیون تومان از محل فروش بلیت سینماها عوارض سینمایی

دریافت میدارد ۱.

در تهران در زمان حاضر، چنانکه یادآور شدیم
مجموعاً ۷۲ سینما، متشکل از ۳۰ سینمای درجه
یک، ۳۵ سینمای درجه دو، و ۷ سینمای درجه سه وجود دارد. با وجود
اختلاف بها میان بلیت‌های سینماهای مختلف و قسمت‌های مختلف یک سینما،
حدوسط بهای بلیت در تهران، در حدود ۱۵ ریال است.

بطور متوسط در زمان حاضر روزانه نود و پنج (۹۵) هزار، و سالیانه
(۳۳/۵) سی و سه میلیون و نیم نفر در تهران به سینما می‌روند. رقم متوسط
مشری برای هر سینما روزانه، ۱۳۲۰ نفر است. روزهای جمعه مردم تهران
چهل و هشت درصد (۴۸٪) بیشتر از ایام عادی و در زمستان نزدیک به بیست درصد
(۲۰٪) بیشتر از تابستان به سینما می‌روند. با احتمال قوی بیش از دوسوم
تماشاگران سینماها را، کودکان و جوانان تشکیل می‌دهند. مبلغی که مردم
تهران سالیانه، تنها برای خرید بلیت سینمای خود می‌پردازند، بالغ بر
پنجاه میلیون تومان می‌گردد.

بدین ترتیب هر تهرانی بطور متوسط ۱۷ بار در
سال به سینما می‌رود، و در حدود ۲۵۵ ریال برای
خرید بلیت سینما می‌پردازد. مقایسه تماشاگران تهران
با سایر نقاط ایران

اینک اگر، چنانکه در گذشته یادآور شدیم، سینما روندگان تهران را
نیمی از مشتریان سینماهای ایران بدانیم، بقیه‌ی مردم ایران بطور متوسط
یک بار و نیم (۱/۵) در سال به سینما می‌روند، و تنها سالیانه ۲۲/۵ ریال برای
سینما می‌پردازند. عبارت دیگر مردم تهران سالیانه پانزده بار و نیم (۱۵/۵)
بیشتر از مردم سایر نقاط ایران به سینما می‌روند، و نیز هر سال ۲۳۲/۵ ریال
بیشتر از آنان برای تهیه بلیت سینمای خود می‌پردازند. مجموع تماشاگران
سینماهای ایران، سالیانه تقریباً ۶۷ میلیون نفر بالغ می‌شود.

بطوریکه در جدول زیر دیده می‌شود، از سال
۱۳۳۵ تا سال ۱۳۴۱ هر سال بطور متوسط ۵/۵ رشد سینما در تهران

سینما بر سینماهای تهران افزوده گشته است. عبارت دیگر تنها در ظرف
شش سال، بالغ بر چهل و هشت (۴۸٪) درصد بر سینماها، و بالغ بر شانزده
و نیم (۱۶/۵) میلیون نفر بر تماشاگران، یا شانزده میلیون و نیم بار بر اسرار
به سینما رفتن افراد در سال، افزوده شده است.

۱ - نویسنده از اولیاء محترم اداره‌ی درآمد نمایشهای شهرداری تهران
صمیمانه سپاسگزار است که اجازه دادند، از لیست‌های مربوط به عوارض سینماها
در ماه‌های مرداد و آذر ۱۳۴۱ ارقامی را که اساس قسمت اعظم از محاسبات، در این
بخش است، استخراج نماید.

توسعه‌ی سالیانه‌ی سینما در تهران در سالهای ۴۱-۱۳۳۵

سال	تعداد سینما	سرعت توسعه‌ی سالیانه‌ی سینما	درصد توسعه‌ی شش‌ساله	افزایش سالیانه‌ی تماشاگران
۱۳۳۵	۳۸			
۱۳۳۹	۶۰			
۱۳۴۰	۶۷			
۱۳۴۱	۷۲	۵/۵	٪۴۸/۸	۲/۶۸۳ میلیون نفر

سینما پرستی حاکی از نگرانی

سرعت توسعه‌ی سینماها، و هجوم مردم به آنها با کمترین پیشرفت دیگری در شئون اجتماعی ما، در سال‌های اخیر قابل مقایسه است. بویژه اگر به قوس صعودی انتشار کتاب که در سالهای اخیر در سطح تقریبی ۶۶۰ کتاب در سال، متوقف مانده است، بنگریم، و بحران اقتصادی یکی دو سال گذشته را، در نظر بگیریم، به موازات «بالارفت» منحنی اعتماد به مواد مخدره، و مصرف آجیو و سایر مشروبات الکلی و شیوع سرسام آور سیکار، ملاحظه خواهیم کرد که ترقی سینما، حاکی از «شادگامی» و «بهبود وضع مالی» مردم بطور کلی نیست. بلکه شیوع سینما در شرایط کنونی تهران، مانند شیوع عموم مسکرات و مواد مخدره، ضمناً حاکی از ازدیاد ناراحتیها و «افزایش نگرانی‌های مردم» است. سینما علاوه بر جنبه‌ی تفریحی خود، تا حد زیادی عنوان «گاه‌جویی بدلی» و وسیله‌ی تسکینی را برای مردم پیدا کرده است.

عده زیادی از مردم، به سینما می‌روند، تنها برای آنکه نمیدانند، در غیر آن صورت چه کنند، و با وقت و ناراحتی‌های خود چگونه کنار آیند. سینما اینک پناهگاهی برای:

۱- فراریان از مدرسه

۲- فراریان از خانه و خانواده

۳- فراریان از محرومیت جنسی و دهها نوع از فراریان

دیگر شده است.

۱- تولید سیکار در ایران مرتباً روبه توسعه است. در زمان حاضر اداره‌ی دخانیات روزانه ۳۰ میلیون عدد سیکار تولید میکنند که ۲۹٫۵ میلیون آن در داخل کشور مصرف میشود. اگر میزان مصرف روزانه را ۲۹۱ میلیون و جمعیت ایران را ۲۱ میلیون فرض کنیم، روزانه هر ایرانی ۱٫۳۸ عدد سیکار و سالیانه ۵۰۳ سیکار مصرف می‌کند. قسمت اعظم از سیکارهای مصرفی ایران در تهران مصرف می‌شود. شماره‌ی جوانانی که در تهران روزانه بین ۱۰ تا ۳۰ سیکار مصرف می‌کنند، بنا بر تخمین از چندین صد هزار تجاوز می‌کند.

محدودیت سینما
 با وجود تمام توسعه‌ای که سینما در ایران یافته
 است ، در مورد استفاده‌ی جوانان از سینما ، سه
 محدودیت را باید در نظر گرفت - :

۱ - سینما ، از جمله تفریحات تقریباً اختصاصی شهرنشینان ، بشمار
 می‌رود . در صورتیکه می‌دانیم ، بالغ بر ۶۸ درصد از جمعیت ایران ، در
 روستا و یا بصورت ایل و عشیره زندگی می‌کنند .

۲ - با وجود توسعه‌ی شکر ف سینما در ایران ، هنوز در بسیاری از
 شهرهای درجه دوم و سوم ، مانند قم و کاشان ، بر اثر سختگیری‌های مذهبی ،
 سینما وجود ندارد . برای مثال اخیراً هنگام افتتاح يك سینما در کاشان ،
 کار مخالفت مردم منجر به بستن بازار و اعتصاب عمومی گشت ، بطوریکه دولت
 ناگزیر ، از افتتاح آن جلوگیری کرد .

۳ - سینما با همه ارزانی نسبت به بسیاری از وسایل تفریحی دیگر ،
 هنوز برای اکثریت از جوانان شهرنشین گران است . تنگدستی و ضعف بنیه‌ی
 مالی به بیشتر از جوانان ما اجازه نمی‌دهد ، از این وسیله استفاده‌ی چندانی
 نمایند . بسیاری از جوانان خود را خوشبخت احساس میکنند ، در صورتیکه
 اگر در تنها ظرف سال یکبار بتوانند به سینما بروند .

در برابر این وضع تفریطی ، اقلیتی از جوانان شهری ، بویژه در تهران ،
 بطور افراطی ، هفته‌ای دوسه بار ، به سینما می‌روند . بطوریکه می‌توان از
 يك گروه سینمارو و مشتریان پابر جای سینما ها سخن گفت .

علاوه بر قبلم هائی که محصول داخلی است ،
 مسئله فیلم‌های غربی
 سالیانه بالغ بر چهارصد (۴۰۰) فیلم خارجی
 نیز در ایران ، اخیراً بیشتر بصورت واگردون شده ، به معرض نمایش
 گذارده می‌شود .

فیلم‌های غربی با معرفی زندگی مصنوعی و رؤیائی ، و ارزش‌های
 تازه و اغراق آمیز که حتی در خود غرب نیز مصداق خارجی ندارد ، خود
 یکی از مشکلات جدید زندگی جوانان ما بشمار می‌رود . در کتابی که بنام
 « ایران » بوسیله‌ی ۱۶ تن از پژوهندگان علوم اجتماعی و روابط انسانی و
 خاورشناسان امریکایی در سال ۱۹۵۷ ، انتشار یافته است ، در بخش مربوط
 به « سینما » چنین می‌خوانیم - :

« در فیلم‌ها ، ایرانی متعایل به غرب ، تمدن جدیدی را که در تعلیم
 و تربیت جدیدش به‌وی وعده داده‌اند در زندگی محروم از آنست ،
 می‌یابد . برای وی سینما ، گریز اجتماعی مملو از ناكامی و پناهندگی
 به جهانی رؤیائی را که ارزش‌های غربی وی در آن تحقق می‌پذیرد ،
 میسر می‌سازد ... جوانان مایلند ، این نوع زندگی را که از سینما یاد

گرفته اند تقلید کنند...»^۱

هنوز در ایران ، تحقیق دقیقی بعمل نیامده است که فیلم‌های غربی تا چه اندازه ، در ایجاد و تشدید خود کم بینی‌ها و نفرت و فرار از تمدن ایرانی و تقلیدهای کور کورانه از ظواهر تمدن غرب که متأسفانه در بسیاری از جوانان ما شیوع بیماری آسائی یافته است ، سهمی اند . لیکن از گوشه و کنار ، بخوبی نفوذ این فیلم‌ها را در روح جوانان ساده لوح می‌توان مشاهده کرد . چندی پیش ، پس از نشان دادن يك فیلم جنائی مربوط به دست‌های ازدزدان بانک‌ها ، بفاصله‌ی بسیار کوتاهی ، برای نخستین بار حمله‌ی مسلحانه‌ی دودسته از جوانان به يك بانك و به يك شرکت ، توأم با قتل پاسبان بانك ، نظیر آنچه که در فیلم نشان داده بودند ، به وقوع پیوست . تقلیدهای سرسام آور ، از نوع آرایش مو و لباس و حرکات هنرپیشگان اروپائی و امریکائی ، در هر فیلم بلافاصله پس از نمایش آن ، در خیابان‌های تهران ، آنچنان بفرآوانی به چشم می‌خورد که می‌توان گفت يك شبه ، مانند قارچ ، مدی پا برصه‌ی وجود می‌نهد .

نفوذ سینما ، در نزدیکی زن و مرد ، و ایجاد سهولت روابط جنسی ، وانمکاس آن در شعروادبیات جدیدما ، آشکارا بچشم می‌خورد .^۲

(ناتمام)

1 - Iran , Country Survey Series , Human Relations Area Files و New Haven , 1957 . P. 111

۲- برای نمونه ، «**لحظه‌ها و احساسها**» سروده‌ی فریدون مژده ، شاهد

گویائی از اثر و فوئنگسیون جنسی سینما در زندگانی جدیدماست - :

در نورنبرگ و به آلود سینما
او ، در کنار من ، به تماشا نشسته بود
من : خیره ، در نظاره‌ی افسانه وار او
او : دیده ، بر نظاره‌ی افسانه بسته بود
میربخت عطر شور و هوس ، مست و بیقرار
در جان تشنه . موج زنان ، گیسوان او
چون آتشی شگفته شب ، شعله میکشد
در چشم من ، برهنگی بازوان او
او ، چون بیست ، در بر من بود ، چون بیمار
بر من وزان ، نسیم نفس‌های دلکش
عشقی به تابناکی خورشید تیزروز
در نازقاب هرنگه بر نوازشش
دستش ، سپید و نرم ، چوبال فرشته‌ای
می‌بود بوسه‌ها ، به سرانگشت‌های من
این شوق ، می‌فتردمرغ ، در گلو مرا
کاو نیز ، به تیبید دلش ، در هوای من ...

برای اطلاع بیشتر درباره‌ی روانشناسی فیلم و نفوذ سینما در انسان ، ر.ک.به:

اثر دیگر نویسنده : «انسان تماشاگر» ، کتاب روح بشر ، ج ۱ ، ص ۲۷۵